

وظایف روحانیت در عصر انتظار.....

سید محمد حسینی شاهرودی
پژوهشگر

چکیده

امام زمان(ع) نجاتبخش بشر از کفر و ستم و منادی عدالت و برپادارندهٔ حدود الهی و احیاگر معارف قرآن است. فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و روحانیت نیز جز این نیست و دست پروردگان حوزه‌های شیعه هر کدام در دیار و عصر خویش، پرچم انتظار بوده‌اند. روحانیت در عصر غیبت دارای پنج وظیفه عمده است که عبارتند از: ارتباط، اقتدا، وراثت، نیابت و آمادگی. در این مقاله تنها ارتباط مورد بررسی قرار گرفته است. ارتباط روحانیت با امام زمان(ع) تنها در عقیده نیست که سراسر زندگی آنان با نام و یاد آن حضرت همراه است. ارتباط می‌تواند به صورت حضوری و ملاقات باشد که دلایل مخالفان و موافقان امکان این ارتباط ذکر شده. همچنین می‌تواند ارتباط معنوی و رابطه عاشق و مشعوق، سرباز و فرمانده و شاگرد و استاد باشد که رابطه روحانیت با ولی نعمت خود اینگونه است.

مقدمه

فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و روحانیت، چیزی جز تبیین مکتب و پاسداری از اسلام ناب محمدی(ص) نیست. رسالت روحانیت، نشر علمی و عملی فضایل اخلاقی و الهی و فرآورده‌های دینی و قرآنی، پاسداشت حدود و ثغور شریعت، دفاع از مظلوم، برانگیختن روح عدالتخواهی، عدالت‌گستری و زنده نگه داشتن امید به عدالت و ایجاد گشایش برای پاکسازی زمین از همه نامردمی‌ها و ستم‌ها است.

مگر نه این است که امام زمان(ع) نیز نجاتبخش بشر از کفر و ستم در عصر سیاهی هاست. آن حضرت منادی عدالت، برپا دارنده حدود الهی، احیاگر معارف قرآن و بیانگر اسلام ناب محمدی(ص) است. مگر هر صبح جمعه نمی خوانیم:

أَيُّنَ الْمُؤْمَلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ وَ نِيزِ مِي گوييم «أَيُّنَ الْمُدَحَّرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ»!

آیا جز این است که او، کرامتهای اخلاقی را در زندگی و جامعه بشری پیاده می کند و آرمانهای انبیاء و اولیای الهی را در این خاکستان، عملی می سازد و عینیت می بخشد و حکومت عدل را بر پا می کند؟

با یک نگاه قابل درک است که چقدر این دو رسالت به هم نزدیکند. مگر عالمان ربانی، نابودی طاغوت ها و استقرار ارزشها و معارف ناب محمدی(ص) را در همه زوایایش وعده ندادند و خود در عمل، گواه این مدعا نشدند؟ آیا در راه آماده سازی مقدمات فرج و رسیدن به حکومت عدل جهانی، جام شهادت را نوش نکردند؟

آری دست پروردگان حوزه های علمی شیعه، هر کدام در دیار و اقلیم خویش، پرچم انتظار بودند و مشعلهایی فروزان فراراه کاروان بشر به صراط مستقیم و کعبه وصال و نجاتبخش انسان ها در تاریکستان فتنه ها، هواها، هوسها، خدعه ها و دهها بیراهه دیگر راه گونه و سرابهای آب نما و چراغی روشن بر مناره مدینه فاضله و حکومت عدل جهانی.

روحانیت در سیاه ترین دوره ها، با یاری از «انتظار فرج»، امید به فرج را در دل های پاک مؤمنان و زلال فطرتان زنده نگه داشتند و جنبشهای عدالتخواهی و ستم ستیزی را، در جای جای جهان بویژه در دارالاسلام کردند. امیدی که چونان دو بال برای تکاپو در زندگی و گذر از باتلاقها و بیغوله های جهل، دودلی و گمراهی است. مگر انقلاب اسلامی که به رهبری حضرت امام رضوان الله علیه آن روحانی مبارز، نستوه و بیدار دل در ایران به پیروزی رسید در همین راستا نبود؟

آری حوزه های علمیه، تبلور عینی و تابلوی جاودانه فلسفه انتظارند. دلسوخته ترین عشاقان مهدی زهرا(ع) در این مهد، بالیدند و استوارترین و مایه و رترین میراث فرهنگی مهدویت را همین حوزه های مبارک آفریدند. گزاف نیست اگر بگویم کارنامه حوزه ها، جز انتظار فرج نیست، اندک تأملی در تاریخ حوزه های شیعه، درستی این گفته را می نماید.

در این مجال سعی خواهیم کرد به پنج وظیفه مهم روحانیت در عصر انتظار یعنی: ارتباط، اقتداء، وراثت، نیابت و آمادگی اشارتی گذرا داشته باشیم. در این مقاله نیز به اولین وظیفه یعنی ارتباط در زمان غیبت خواهیم پرداخت.

امید است مطالبی که در این موضوع طرح می‌شود، مقبول درگاه حضرت حق و ولی عصر (عج) قرار گیرد و رضایت شما عزیزان روحانی را در پی داشته باشد.

۱. ارتباط با حضرت مهدی (عج)

امام زمان (ع)، برای روحانیت و حوزویان نه یک عقیده که زندگی است؛ زندگی علمی، عملی و حوزوی همواره با یاد و نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه است. در تلقی روحانیت، ولی عصر، سرپرست و صاحب اصلی حوزه‌هاست، ولی نعمت آنهاست؛ تغذیه فکری و مادی آنها با عنایت اوست؛ هم سرباز اویند، هم بر خوان نعمت او؛ از او چراغ راه می‌گیرند و رسم هدایت می‌جویند. از این رو ارتباطی پیوسته و دائمی دارند.

آیا می‌توان تصور کرد که سربازی با فرمانده‌اش و شاگردی با استادش ارتباطی نداشته باشد. اما اینکه این ارتباط چگونه است و در زمان غیبت کبری آیا امکان ارتباط مستقیم با حضرت ولی عصر (ع) هست یا نه؟ آیا شیعیان و پیروان حضرت می‌توانند از محضر آن بزرگوار، بهره‌مند گردند یا خیر؟ و در اینکه برابر موازین و روایاتی که داریم، چنین امری تحقق می‌یابد یا امکان ارتباط مستقیم نیست دو دیدگاه وجود دارد. هر چند ارتباط معنوی را هیچ کس نفی نمی‌کند.

اول، دیدگاهی که امکان ارتباط و تشریف به محضر امام زمان (ع) را در عصر غیبت کبری تأیید نمی‌کند و لزومی برای آن نمی‌بیند.

دیگر، دیدگاهی که بر امکان ارتباط و وقوع آن اصرار می‌ورزد.

هر دو نظر نیز گروهی طرفدار و معتقد دارد. این نکته در خور دقت است که: نه آنان که ارتباط را نمی‌پذیرند از اسلام و تشیع به دورند و نه کسانی که به آن عقیده دارند، از ایمان بیشتری برخوردار؛ چرا که هر یک از ادله‌ای بر ادعای خود ارائه می‌دهند و به روایاتی تمسک می‌جویند.

گرچه امروز، این از باورهای دینی عموم فرض شده است، به گونه‌ای که منکر آن، نزد

برخی متهم خواهد شد، ولی بزرگانی مانند: شیخ مفید، فیض کاشانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و نعمانی، ارتباط حضوری با امام زمان را برای شیعیان در غیبت کبری ممکن نمی‌دانند. از طرفی درباره ارتباط با آن حضرت کتابهایی به رشته تحریر درآمده و در این اواخر، رواج فوق العاده‌ای یافته که مشحون از حکایت‌ها و داستان‌ها و مطالبی است که برخی از آنها، بیقین نادرست و در برخی، شمه‌ای از حقیقت وجود دارد.

هر دو گروه برای نظر خود دلایلی ذکر کرده‌اند که این مقاله گنجایش ذکر همه دلایل را ندارد ولی ذکر نمونه‌هایی برای روشن تر شدن مطلب خالی از لطف نیست و این وظیفه روحانیت معزز است که ضمن شناخت و مطالعه عمیق در این موضوع و برقراری ارتباطی معنوی و عاشقانه با مولای خود، عاشقان و دلباختگان امام زمان (ع) را راهنما باشد.

۱- ۱. محرومیت از فیض حضور

گروهی امکان ارتباط با امام زمان (ع) را در غیبت کبری نفی می‌کنند به روایات مختلفی استناد کرده‌اند که مهم‌ترین و معتبرترین دلیل آنان، توقیعی است که پیش از مرگ علی بن محمد سمري، آخرین سفیر خاص امام زمان (ع)، از ناحیه آن حضرت صادر شده است. شیخ صدوق توقیع را چنین نقل می‌کند: ابو محمد حسین بن احمد مُکْتَبِ برای ما حدیث کرد: در سالی که شیخ علی بن محمد سمري، قدس الله روحه، وفات کرد، در مدینه السلام بغداد بودم، چند روز پیش از مرگ وی، نزد او رفتم، او، توقیعی را برای مردم بیرون آورد که نسخه آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي بن محمد السمري، أعظم الله اجرَ اخوانك فيك فإنك ميتٌ ما بينك و بين سنة ايام فأجمع امرک و لا تُوصِ الى احد يَقومُ مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة الثانية [التامة] فلا ظهور إلا بعد إذن الله عز وجل، و ذلك بعد طول الامة و قسوة القلوب و امتلاء الارض جوراً. و سيأتي شيعتي من يدعى المشاهدة. الا فَن ادعى المشاهدة قبل خروج السفيناتي و الصيحة فهو كاذب مفتر، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.^۲

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ نماید. تو می‌میری در فاصله شش روز. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو، جانشینت باشد که غیبت دوم و تام واقع شد و ظهوری نیست، مگر

پس از اذن خداوند و این اجازه پس از مدتی است طولانی که دلها قسی و سخت شود و زمین را از ستم برگردد. به زودی کسانی از شیعیان من، خواهند آمد که ادعای مشاهده و دیدن مرا بکنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده است، او دروغگوی افترا زننده است. و جز از جانب خدای بزرگ، توان و نیرویی نیست! برابر این توقع، هر کس ادعای دیدار با حضرت حجت را داشته باشد، سخنش پذیرفته نیست و در ادعای خود، در غگوست. در نتیجه، نمی توان او را تصدیق کرد و باید به تکذیبش برخاست.

روایات دیگری نیز بر ناشناخته بودن حضرت در زمان غیبت تصریح دارد، در عین اینکه آن حضرت در میان مردم است و آنان را می بیند و می شناسد، مردم آن حضرت را نمی شناسند، از جمله روایت امام صادق (ع) از حضرت امیر مؤمنان (ع) که می فرماید:

وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حِجَّةِ اللَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنْ الْحِجَّةُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ.^۳

و اگر زمین، یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. حجت، مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند، همان گونه که حضرت یوسف، مردم را می شناخت و آنان او را نمی شناختند.

از این روایت استفاده می شود که حضرت بسان دیگر انسانها، در بین مردم زندگی می کند، او را می بینند و نمی شناسند، ولی آن حضرت، مردم را می شناسد، چنانکه در روایت دیگری حضرت علی (ع) می فرماید:

أَنَّ حِجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَاشِيَةً فِي طُرُقِهَا، دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا جَوَالَةً فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى إِلَى الْوَقْتِ وَ الْوَعْدِ وَ نَدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ سُرُورٌ وَ وُلْدٌ عَلَى وَ شِيعَتُهُ.^۴

حجت حق بر زمین استوار است، در جاده ها حرکت می کند، در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد، سخن مردم را می شنود و بر جماعت مردم سلام می کند، می بیند و دیده نمی شود، تا زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی، هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان اوست.

برابر آنچه ذکر شد، مشاهده حضرت در غیبت کبری ممکن نیست، مگر اینکه دلایل معتبری، این ادله را مقید نماید و امکان آن را ثابت کند.

۲ - ۱. امکان تشرف

عده‌ای دیگر از علمای شیعه نیز بر این باورند که در دوران غیبت کبری، امکان ارتباط و تشرف به محضر امام زمان علیه السلام وجود دارد. این دیدگاه که در بین متأخرین شهرت یافته است از زمان سید مرتضی آغاز گشته و پس از وی افرادی چون شیخ طوسی، کراچکی، محدث نوری و بزرگان دیگری بر آن نظر تأکید کرده‌اند.

سید مرتضی در پاسخ این پرسش که حضور امام علیه السلام در پرده غیب، چه فایده‌ای دارد؟ امکان استفاده گروهی از اولیاء الهی را از محضر آن حضرت مطرح می‌کند؛ و نیز در پاسخ به این اشکال که امام غائبی که هیچ کس از مردم به وی دسترسی نداشته باشند، چه فایده‌ای دارد و تفاوت بود و نبود وی چیست؟ می‌نویسد:

الجواب: قلنا اول ما نقرله انا غیر قاطعین علی ان الامام (ع) لا یصل الیه احدو لا یلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم و لاسبیل الی القطع الیه.^۵

در پاسخ می‌گوییم: نخستین چیزی که به آن معترفیم این است که: ما قطع نداریم هیچ کس به خدمت امام نمی‌رسد و هیچ بشری او را ملاقات نمی‌کند. این امر، معلوم نیست و راهی به قطع به آن وجود ندارد.

وی در جای دیگر می‌نویسد:

نحن نحوز أن یصل الیه کنیر من اولیائه و القائلین بامامته فینتفعون به.^۶

ما ممکن می‌دانیم که گروه زیادی از اولیا و معتقدان به امامت ایشان، شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند.

مرحوم کراچکی نیز در پاسخ به این اشکال که چرا باید امام عصر از اولیای خود پنهان باشد فرموده است:

و لنا مع ذلك لا نقطع علی ان الامام (ع) لا یرفه أحد و لا یصل الیه بل قد یجوز أن یجتمع به طائفة من اولیاء تستر اجتماعها به و تخفیة.^۷

و با تمام اینها، ما قطع نداریم که امام را هیچ کس نمی‌شناسد و به حضورش نمی‌رسد،

بلکه ممکن است که گروهی از اولیای آن حضرت، با وی اجتماع کنند و جمع آنان پنهان و مخفی بماند.

دلایل ارتباط

بر امکان ارتباط با حضرت حجت در غیبت کبری نیز دلایلی ذکر شده است که عمده آن روایاتی است که ارتباط افراد خاصی را با حضرت تأیید می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: لا بُدَّ لصاحب هذا الامر من غيبة و لا بدَّ له في غيبته من عزلة، و نعم المنزل طيبة و ما بثلاثين من وحشة.^۹

صاحب این امر، بناگزیر، غیبتی دارد و در دوران غیبت، از مردم کناره می‌گیرد و نیکو منزلی است مدینه طیبه و با سی تن، وحشتی نیست.

علامه مجلسی می‌فرماید: در برخی نسخه‌ها عبارت این گونه آمده است: «و لا له في غيبته من عزلة» در غیبت از مردم کناره نمی‌گیرد.^۹

به نظر می‌رسد که احتمال دوم، صحیح باشد، زیرا روایت با این احتمال سازگارتر است. یعنی امام با این که از دیده‌ها پنهان است اما از مردم جدا نیست، افزون بر این، روایاتی داریم که تصریح دارند که حضرت در میان مردم است و به آنان سلام می‌کند، ولی مردم حضرت را نمی‌شناسند. ملا صالح مازندرانی، اینگونه به توجیه این احتمال پرداخته است.^{۱۰} به این حدیث استدلال شده که همواره سی تن از موالی و خواص با امام علیه السلام همراهند و آنان، حضرت را می‌بینند. بدیهی است که با مردن یکی، فرد جدیدی در خدمت حضرت درخواهد آمد و نیز دلالت دارد که حضرت بیشتر در مدینه و اطراف مدینه حضور دارد. محدث نوری در جنة المأوی در این باره می‌فرماید:

و هذه الثلاثون الذين يستأنس بهم الامام (ع) في غيبته لا بد أن يتبادلوا في كل قرن اذ لم يقدر لهم من العمر ما قدر لسيدهم (ع) في كل عصر يوجه ثلاثون مؤمناً و لياً يتشرفون بلقائه.^{۱۱} و این سی تن، که امام (ع)، در زمان غیبت با آنان انس می‌گیرد، بناچار، در هر قرنی تغییر می‌کنند؛ زیرا عمری که برای سرور آنان مقدر شده، برای آنان نیست.

از این روی، در هر عصری، سی مؤمن دوستدار، مشرف به لقای حضرت می‌شوند.

در اینکه این سی نفر که با حضرت هستند آیا مربوط به زمان غیبت صغری یا غیبت کبری

می باشد بحثهایی شده است. آنان که آن را در غیبت کبری می دانند به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می کنند که فرمود:

للقائم غیبتان: احدهما قصرة و الاخرى طویله الغیبه الاولى لا یعلم بمكانه فیها إلا خاصة شیعته و الاخرى لا یعلم بمكانه فیها الا خاصة موالیه.^{۱۲}

حضرت قائم، دو غیبت دارد: یکی کوتاه و دیگری طولانی است، در غیبت نخست، از مکان حضرت کسی آگاه نیست، مگر شیعیان خاص و در غیبت دوم، مکان وی را نمی دانند، مگر موالیان خاص آن حضرت.

از این روایت دو نکته اساسی استفاده می شود:

۱. حضرت حجت (عج) مانند دیگران، مکان دارد و دیدار با وی برای کسانی میسر است که از مکان او آگاه باشند. پس نظر به حضور حضرت در جامعه به صورت روح مجرد و امثال آن صحیح نیست.

۲. در غیبت کبری، موالیان خاص مکان حضرت را می دانند و با وی، دیدار می کنند. در اینکه موالیان چه کسانی هستند که بر شیعیان خاص امتیاز دارند و در غیبت کبری در خدمت حضرت می باشند؟ ملا صالح مازندرانی می نویسد: منظور از «خاصه موالی»، «حواریون حضرت» هستند.^{۱۳}

مرحوم شیخ مفید نیز درباره ارتباط با حضرت در غیبت کبری می نویسد:

بأنه لا بدّ للقائم المنتظر من غیبتین احدهما اطول من الأخرى و یعرفُ خبره الخاص فی القصرى و لا یعرف العام له مستقراً فی الطولی الا من تولی خدمته من ثقة اولیائه و لم یقطع عنه إلى الاشتغال بغيره.^{۱۴}

قائم منتظر، بناچار دو غیبت دارد: یکی از دیگری طولانی تر است، افراد خاص از اخبار ایشان در غیبت صغری آگاه می شوند و جایگاه استقرار وی را تمام مردم در غیبت کبری نمی شناسند، مگر کسی که متولی خدمت حضرت باشد. از دوستان مورد اعتماد که بجز به خدمت حضرت، به کار دیگری نپردازد.

آنچه مسلم است در زمان غیبت کبری افراد خاصی در خدمت حضرت می باشند ولی اگر «خاصه موالی» را شامل شیعیان مخلص غیر خادم و شخصیت های وارسته بدانیم، می توان گفت

که ممکن است برخی از بزرگان درک فیض حضور حضرت را بیابند بدون اینکه ادعایی داشته باشند، شاید سید مرتضی به همین نکته اشاره داشته باشد آنجا که می‌فرماید:

لنا نقطع علی أنّ الامام لا ینظر لبعض اولیائه و شیعتہ بل یجوز ذلک و یجوز ایضاً أنّ یکون ظاهراً لاحد منهم و لیس يعرف کل واحد متاً إلا حال نفسه فاما حال غیره فغیر معلوم له.^{۱۵}
ما قطع نداریم امام بر برخی از اولیاء و شیعیان خود ظاهر نشود، بلکه این ممکن است و نیز امکان دارد که برای هیچ یک از آنان ظاهر نگردد. هر کس از ما، جز از حال خود حال دیگران برای او معلوم نیست.

تا اینجا می‌توان نتیجه گرفت که اگر انسان بتواند به گونه‌ای عمل نماید که از اولیاء مخصوص امام زمان (عج) شود، می‌تواند در خدمت آن حضرت قرار گیرد.

۳-۱. ارتباط معنوی

آنچه در ارتباط با امام زمان علیه السلام برای شیعیان بویژه روحانیت و شاگردان مکتب او اهمیت دارد، ارتباط معنوی با آن حضرت و شیدای او شدن است. سید مرتضی در رساله غیبت، فایده و نفعی که افزون بر امکان ارتباط حضوری برای برخی از شیعیان بر وجود حضرت در پرده غیبت ارائه داده است، می‌فرماید:

لانهم مع علمهم بوجوده بینهم و قطعهم علی وجوب طاعته علیهم و لزومها لهم لابد من أنّ یخافوه و یهابوه فی ارتکاب القبائح و یخشوا تادیبه و مؤاخذته فیقل منهم فعل القبیح و یكثر فعل الحسن او یکون ذلک اقرب و هذه جهة الحاجة العقلية الى الامام.^{۱۶}

زیرا شیعیان، با اعتقاد به وجود حضرت در بین آنان و بقین آنان بر وجوب اطاعت و لزوم پیروی از ایشان، ناگزیر، در ارتکاب کار زشت هراسی از حضرت دارند. و از تأدیب و بازخواست حضرت می‌ترسند. از این روی، کار زشت، کم انجام می‌دهند و کار نیکو زیاد، یا به انجام آن، نزدیک‌ترند. همین، جهت عقلی نیاز به امام است.

بنابراین برقراری ارتباط معنوی با امام (ع) و اعتقاد به وجود و حضور آن حضرت، بدون ارتباط و مشاهده ظاهری، ثمرات و فوائد بسیاری دارد و این از معنای لطف وجود حضرت برای شیعیان است. این قاعده کلامی که متکلمان به آن بر وجود و لزوم معصوم استدلال می‌کنند، به این معناست که خداوند، زمینه نزدیکی انسان را به طاعت و دوری از معصیت

را برای او فراهم می‌کند، اما نه به گونه‌ای که به حد اجبار برسد. از این رو به هر میزان ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام بیشتر باشد، به همان اندازه انسان از بدی‌ها دور می‌شود و به فضائل و کمالات نزدیک می‌گردد.

شیخ مفید نیز در پاسخ از این پرسش که دلیل بر وجود امام زمان چیست، به همین قاعده استناد می‌کند و می‌نویسد:

الدلیل علی ذلك ان كل زمان لابد فيه من امام معصوم والاحتمال الزمان من امام معصوم مع انه لطف و اللطف واجب على الله تعالى في كل زمان.^{۱۷}

وجود امام معصوم و حجت حق، در هر زمان لازم و این وجود معصوم، لطف است و لطف، همیشه بر خدا لازم است.

خواجه نصیر الدین طوسی نیز می‌نویسد:

انحصار اللطف فيه معلوم للعقلاء و وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا.^{۱۸}

نزد عقلاء معلوم است که انحصار لطف الهی در تعیین امام است. وجود امام لطف است و تصرف او در مسائل اجتماعی لطفی دیگر و غیبت امام، مربوط به ما می‌شود.

علامه طباطبایی نیز بر تأثیر معنوی امام در نفوس تأکید می‌کند و می‌نویسد:

بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام، در این باب تأثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد. اگرچه از چشم جسمانی، ایشان مستور است، وجودش پیوسته لازم است، اگر چه زمان ظهور و اصلاح جهانی‌اش تاکنون نرسیده.^{۱۹}

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی تأثیر معنوی آن حضرت بر دل‌های مؤمنان و ارتباط معنوی آنان اشاره دارد و می‌فرماید:

إن غاب عن الناس شخصه في حال هدايتهم فان علمه و آدابه في قلوب المؤمنين مثبتة فهم بها عاملون.^{۲۰}

اگر جسم او در زمان هدایت آنان، از مردم غایب است، ولی علم و آدابش در قلب‌های مؤمنان ثبت است و به آنان عمل می‌کنند.

بدیهی است روحانیت شیعه نقش مهمی در ارتباط معنوی مردم با امام زمان علیه السلام دارد. چرا که دعوت مردم و آشنا کردن آنان با حضرت مهدی (عج) و هدایت آنان در این

مسیر یکی از وظائف روحانیت است. امام هادی علیه السلام در این باره می فرماید:

لَوْلَا مَنْ بَقِيَ بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الذَّابِينَ عَن دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَقِدِّينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَتَاكِ ابْلِيسَ وَ مَرَدِّيهِ وَ مِنْ فَخَاخِ النُّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَن دِينِ اللَّهِ وَ لَكُنْتُمْ الَّذِينَ يُسَكُونُ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ، كَمَا يُسَكُّ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا، أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^{۲۱}

اگر نبودند افرادی از علما که بعد از غیبت قائم ما، مردم را به سوی او دعوت و راهنمایی می کنند و با دلایل و برهانهای خداوند، از دین او دفاع می نمایند و بندگان ضعیف خدا را از دام ابلیس و سرکشان و نواصب نجات می دهند، احدی نمی ماند مگر آنکه از دین خدا خارج می شد؛ ولی این علما، زمام دل‌های شیعیان ضعیف ما را به دست می گیرند، همان گونه که ناخدای کشتی، سگان کشتی را به دست می گیرد. همانا ایشان برترین افراد نزد خداوند بزرگ عزوجل می باشند.

اظهار عشق به مهدی (ع)

رابطه معنوی روحانیون با امام زمان علیه السلام، رابطه عاشق و معشوق است. اظهار عشق و محبت به شخصیتی که خداوند خود از عاشقان اوست و به پیامبر اعظمش می فرماید که به ساحت قدسی او عشق بورزد:

يَا مُحَمَّدَ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.^{۲۲} *مطالعات فرشتگی*

ای محمد او را دوست بدار، زیرا من او و دوستدارانش را دوست می دارم.

امیر مؤمنان نیز مشتاق رؤیت جمال یوسف گونه او و یارانش است آنجا که می فرماید:

أَهْ شَوْقاً إِلَى رُؤْيَتِهِمْ فِي حَالِ ظَهْوَرِ دَوْلَتِهِمْ.^{۲۳}

آه که چقدر مشتاق دیدارشان در هنگام ظهور دولتشان هستم.

و در مکمال المکارم و بحار الانوار چنین آمده است: «قال امیر المؤمنین (ع): هاه؛ و أو می

بیتدیه إلى صدره؛ شَوْقاً إِلَى رُؤْيَتِهِ»^{۲۴} امیر مؤمنان فرمود: هاه! و با دست به سینه خود اشاره نمود

و شوق خود را به دیدار حضرت مهدی (عج) اظهار داشت.

آنچه مسلم است، اینکه هر قدر معرفت و شناخت انسان نسبت به امام زمان علیه السلام

بیشتر شود، محبت و عشق و ارتباط با او قوی تر می گردد. این عشق هر چهقدر بیشتر در رفتارها تجلی پیدا کند، آن را پایدارتر و مستحکم تر می نماید و آنوقت است که دوری او برایش بسیار گران است. این امام صادق علیه السلام است که در دعای ندبه می فرماید.

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الخَلْقَ و لا تُرَى و لا اَسْمَعُ لَكَ حِساً و لا نَجْوَى.

بر من گران است که خلق را ببینم و تو به دیده ام نیایی، و از تو نوایی و ندایی به گوشم نرسد. آری پاکبختگان حضرتش همواره در اندیشه آنند که محبوبشان چه می خواهد تا همان را انجام دهند و هرگز به دنبال خواسته دل یا پاداش و بهره ای نیستند و همواره بیان می دارند:

هر ناز که بفروشی من مشتری نقدم اینک سر من بستان از بابت بیعانه

البته باید توجه داشت که محبت و عشق به امام زمان علیه السلام، تجلی عشق به خداست، چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم:

من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم فقد ابغض الله.

من والاکم فقد وال الله.

ما که او را ولی نعمت خود می دانیم و شاگردی و سربازی آن حضرت را افتخار خود می دانیم، نمی توانیم ارتباط قوی معنوی با آن حضرت نداشته باشیم و عشق خودمان به او را اظهار نکنیم. چنانکه حضرت امام خمینی (ره) می فرماید:

آن دل که به یاد تو نباشد دل نیست قلبی که به عشقت نتپد، جز گل نیست

در هر حال باید سخن حافظ شیرین سخن را آویزه گوش کرد تا این ارتباط همواره حفظ شود.

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سررشته، تا نگه دارد

پی نوشتها:

۱. دعای ندبه.
۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶.
۳. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۴.
۴. همان، ص ۱۲۴.
۵. تزیه الانبیاء، سید مرتضی، ص ۱۸۲.

۶. رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۹۷.
۷. کنز الفوائد، کراچکی، ج ۲، ص ۲۱۸.
۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.
۹. مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۰.
۱۰. شرح کافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۶، ص ۲۴۳.
۱۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۰.
۱۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.
۱۳. شرح کافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۶، ص ۲۴۵.
۱۴. المسائل العشره فی الثبوت، کنگره هزاره شیخ مفید، ص ۸۲.
۱۵. النافی فی الامامة، سید مرتضی، تحقیق سید فاضل میلانی، ص ۱۵.
۱۶. رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۹۹.
۱۷. مصنفات شیخ مفید، ج ۱، ص ۴۴، چاپ کنگره هزاره شیخ مفید.
۱۸. تجرید الاعتقاد، ص ۲۲۲.
۱۹. شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.
۲۰. کمال الدین، ص ۳۰۳.
۲۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶.
۲۲. آفتاب ولایت، مصباح یزدی، ص ۱۱.
۲۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۰.
۲۴. مکالمات السکرام، ج ۱، ص ۱۱۵ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی